



۲۰۱۲/۰۸/۰۱



عبدالحكيم سامع

طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد! (قسمت سیزدهم)

در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ بخصوص، هم سازمان ملل متحد و هم واشنگتن، بار دیگر توجه مشهود به وقایع افغانستان مبذول داشته اند. الاخضر ابراهیمی بار دیگر به دور جدید مأموریت توظیف گردید، تا تماس ها و صحبت با گروپ های متخاصم درگیر در جنگ داخلی افغانستان و همچنان با انجام مذاکرات و دیدار ها، با کشور های همجواری بپردازد، «دیپلومات های» واشنگتن نیز به کابل و اسلام آباد سفر نمودند. همه آنها، متناسب با سطح و مقام مسئولیت دولتی و سیاسی، خواسته ها و موضعگیری های معلوم الحال مراکز قدرت را ارائه داشته اند. مروری بر صفحات روزنامه ها و مجلات نشان می دهد، که تقریباً از نیمه سال ۱۹۹۷ بعد، علاوه بر تصامیم «افراطی» رهبری نام نهاد «طالب»، نظیر قیودات و تحمیل مقررات جبری بر اتباع، چون «ریش دراز گذاشتن» مردها، موضوع تبعیض ظالمانه علیه زنان و غیره موضوعات تهدید و فشار در زندگی فرهنگی، حوادث مزار شریف، کشته شدن کتلوی دربرخورد ها و همچنان، وقوع «جنايات جنگی» از هر دو جانب متخاصم درین جنگ ها، سرو صداهاى موجودیت «مراکز تمریناتی»، گروپ های معلوم الحال «افراطی تروریستی بین المللی» نیز در پهلوی سایر مسایل، روز تا روز، نگرانی مردم را در داخل و هم اذهان عامه را در عرصه بین المللی نسبت به مشی و طرز العمل طالبان، افزایش می بخشید. عکس العمل «بی تفاوت» جانب «طالب»، نمایانگر عدم توجه و یا عدم درک از منافع ملی و حیاتی جامعه و مسیر انکشاف آینده افغانستان بوده است. تخلفات از حقوق بشر و آنهم در برابر زنان، غیر قابل قبول بوده است.

نشریه آلمانی بنام «سونتاگ بلت»، در شماره ۴۰، مؤرخ ۴ اکتوبر ۱۹۹۶ آن نشریه، تسخیر کابل را توسط «ملیشیه های طالبان» که از آنها بنام «جنگی های خدا» یاد نموده است، با خط درشت بعنوان: «پیروزی علیه زنان» با نشر همین عکس تذکر بعمل آورده است. در زیر عنوان درشت فوق می نویسد: «طالبان درکشور فروپاشیده..»



Gotteskrieger: Talibanmilizen nehmen Kabul ein. Foto: Stefan Trappe/argus

روزنامه «زیود دویچه سایتونگ»، چاپ آلمان در شماره مؤرخ ۶/۵ «سپتمبر» ۱۹۹۸ عنوان درشتی را بدین متن نویسد: «سازمان عفو بین المللی» طالبان را بقتل هزاران غیر نظامی ملامت ساخته است.»

در محتوای مطلب چنین گزارش یافته است: «سازمان عفو بین المللی، افراطیون اسلامی طالب را در افغانستان متهم ساخته است، که پس از تسخیر پایگاه های مهم گروپ های مخالف در مزار شریف، هزاران افراد ملکی شیعه را بقتل رسانیده اند. بعد از نشر یک گزارش در لندن، گفته میشود که گویا منجمله، ۱۰ دیپلومات ایرانی و یک ژورنالیست نیز کشته شده اند. زمانیکه ملیشه های طالب وابسته به فرقه سنی، بتاريخ ۸ اگست (۱۹۹۸)، بر قونسلگری ایران در مزار شریف واقع در شمال افغانستان هجوم برده اند. گفته میشود که گویا اجساد دو روز کامل، قبل از آنکه در یک قبر دستجمعی در یک مکتب دختران مدفون گردند، در قونسلگری افتاده بوده اند. ضمناً ملیشه ها، وابستگان اقلیت شیعه، یا کسانی را که با ایران ارتباط داشته اند – پیر مردان و اطفال را بقتل رسانیده – و مردان و زنان جوان را اختطاف نموده اند. طالبان این اتهام را رد نموده اند.»

حادثه قتل «دیپلوماتهای» ایرانی در «قونسلگری ایران» در مزار شریف، مناسبات افغانستان - ایران را در وضع خطرناکی قرار داد. یک مدت معینی ایران در سرحدات افغانستان به «تمرینات» و به «مانور» های نظامی دست

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې ښي پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

برد. جانب «طالبان» سازمان ملل متحد را در جریان گذاشتند. سال ۱۹۹۸، از جهات مختلف، توجه جهانیان را بار دیگر به افغانستان جلب نمود. تراکم قوای نظامی ایران در سرحدات افغانستان، همچنان تا مدتی توجه جهان را بخودجلب نمود بود.

طوریکه در قسمت های قبلی هم گزارش یافته است، «طالبان» به نسبت موقف های متفاوت و نوسانی، عمدتاً افراطی، بتعقیب مقررات پراکنده، بتاريخ ۱۳ آگست ۱۹۹۸، از آدرس «ملا محمد عمر» خبر داده می شود که گویا، قوای او نزدیک به کنترل تمام کشور بوده، مصمم است «قوانین شریعت» اسلامی را در سراسر کشور عملی سازد. «بی. بی. سی.» از زبان ملا محمد عمر در همین خبرچنین حکایت نموده است: «طالبان هیچ خطری را به ایران و جمهوری های آسیای میانه ایجاد نمی نماید. اداره او خواهان مناسبات دوستانه با کشور های همسایه می باشد. لیکن این مناسبات تابع آنست که حکومت دیگر چه برخورد متقابل با طالبان می داشته باشند.»

درنخستین مرحله، یعنی بعد از دخول افراد مسلح بنام «طالب» در کابل و توسعه جنگ داخلی با ترکیب جدید دیگر از همان قوای کهنه قبلی شامل بازی و فقط با تغییر جبهه، که در قسمت های قبلی نیز تذکار یافته است، در سالهای ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ بخصوص، هم سازمان ملل متحد و هم واشنگتن، توجه بیشتر، به وقایع افغانستان مبذول داشتند.

منابع خبری، پس از شکست تلاش های قبلی، نمایندگان ملل متحد، که مدتی، تماس ها را با جوانب درگیر جنگ



دراغانستان، متوقف ساخته بودند، بار دیگر خبرآغاز فعالیت های مجدد آنها را منتشر نموده، «بی.بی.سی.» درین رابطه از دیدار «الاخضر ابراهیمی»، ر وز یکشنبه ۱۲ اپریل ۱۹۹۸، در تهران با خاتمی رئیس جمهور ایران، خبر میدهد. این دور دیدار های خود را ابراهیمی، بخاطر ختم منازعه در افغانستان یاد نموده، هر دو جانب، تأکید بعمل آورده اند که «حل نظامی در مسئله وجود ندارد.» آنچه برای افراد عادی در کشور ما افغانستان، درد آور بوده می تواند، آنست، که همین جمله، یعنی شنونند، ولی جنگ باز هم ادامه دارد.

«حل نظامی در مسئله وجود ندارد» را، در گذشت بیش از چندین دهه می



پس هر انسان ساده می تواند، این سؤال را مطرح سازد، که اگر این سیاستمداران، صلاحیت خاموشی جنگ و یا در تمویل و تجهیز سهم ندارند، پس چرا نزد آنها مراجعه صورت می گیرد. درین گزارش گفته شده است که در چند هفته گذشته، «ابراهیمی ملاقاتهای جداگانه» با «طالبان» و هم با «مخالفین» آنها، بشمول حکومت همسایه داشته است. این تلاشها، بخاطری صورت گرفته است، تا بتواند، «تمام طرف ها را به مذاکره» بیاورد.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

منبع خبری انترنتی «بی.بی.سی.» ، روز پنجشنبه، بتاريخ ۱۶ اپریل ۱۹۹۸ ، در مورد «تجدید دلچسپی های بین المللی» در رابطه با افغانستان، گزارش می دهد، در همان هفته از سفر نماینده، اضلاع متحده، «بل ریچارد سن» (Bill Richardson)، به افغانستان و پاکستان گزارش داده شده است. درعکس که منابع «بی.بی.سی.» در آنزمان پخش نموده است، درین جمعیت در سمت چپ(وقتی پشروی خود را در نظر بگیریم)، شخص سوم است. چهره های شناخته شده افغانی چون، «برهان الدین ربانی، جنرال عبدالرشید دوستم، و نماینده حزب وحدت، کریم خلیلی؟» نیز بمشاهده می رسند. همه بطور نمایشی، «دست ها را روی هم گذاشته اند.» آیا توافق نظر را تبارز داده اند؟ شخص اول سمت راست ممکن «طالب» باشد! گزارشگر از «**علایم آغاز فعالیت های مضطرب بین المللی**» در باره افغانستان، سخن بزبان می آورد. آقای «ریچارد سن»، سفیر آنوقت اضلاع متحده در سازمان ملل متحد، گفته است که با این سفر خود او می خواهد، از «**تجدید تلاش های سازمان ملل متحد**» ، برای رسیدن به صلح بعد از «جنگ ۱۹ ساله» یاری رساند. گزارشگر «بی.بی.سی.» همچنان اظهار می نماید که، «اضلاع متحده در گذشته نیز مکرراً همچو حمایت راپیشکش نموده است. حال بیش از ۲۰ سال است»، که واشنگتن چنین یک دیپلمات بلند پایه را به افغانستان می فرستد، تا از آن حمایت کند، چرا حال همچنین است؟

در عین حال درین منبع، گزارشگر، افغانستان را بنابر موضوعات دیگر چون «**تولید مواد مخدر، تروریسم و هم آنچه کشور های غربی می بینند، مشی تبعیضگرانه علیه زنان**» نیز، در نقطه توجه جهان می داند. «منابع خبری اطلاع می دهند که «**اضلاع متحده پیوند بین مواد مخدر و تروریسم را می بینند.**»

ناظران همچنان معتقد بوده اند، که دلایل متعدد درین لحظه مؤثر بوده اند. یکی از آنها، برجستگی بلند تر به موضوعات حقوق بشر است که «در اواخر در مطبوعات اضلاع متحده» دیده شده است. «**گروپ های برجسته زنان امریکا طالبان را به ارتباط منع زنان از کار و دختران از تعلیم، شدیداً مورد حله زبانی قرار داده اند.**» در ضمن بار دیگر سؤال پلان «شرکت نفت» امریکائی را که درصدد اعمار «پایپ لاین» بزرگ از داخل افغانستان می باشد، نیز مطرح می سازد. همین «راپورتر» خیر رسانی معروف، «بی.بی.سی.»، با تکیه بر اظهارات «دیپلمات ها» می نویسد: «**دلیل عمده آنست که واشنگتن آگاهی کسب نموده است، که اضلاع متحده ممکن وخیم ترین عکس العمل های سیاسی و اجتماعی را در ارتباط با منازعه افغانستان متحمل خواهد شد.**» درین رابطه مدعی اند که «**تجارت پر منفعت مواد مخدرافغانستان، که بازار را در اضلاع متحده، تحت هدف گرفته اند، همچنان راپور های مربوط گروپ های تروریستی، ضد امریکائی، که مراکز تمریناتی آنها را در افغانستان شناسائی نموده اند، موجبات الی این زنگ خطر را برای واشنگتن ببار آورده است.**»

بمثابه مشت نمونه خروار و یا قطره آب برسنگ داغ، اقلأ بحیث ثبوت ادعای فوق، در بخشی از موارد ذکر شده در متن نقل شده، توجه نمائید: **این شخص را مجله تایمز، با نشر این عکس، حاجی بشیر یا حاجی بشر نورزی خوانده است.** در عنوان مطلب، بطور سوالیه می نویسد: «**جنگ سالار یا سالار مخدر؟**». این شخص بر اساس گزارشات مطبوعاتی در نیویارک، بازداشت شده است. خود ادعا نموده است، که گویا کدام تبعه امریکائی او را «فریب» داده و بنام اینکه در نیویارک با وی «**معامله ۵۰ میلیون دالری**»، عقد خواهد شد، «لغزانده» است. در حالیکه خودش، می خواسته است، که همچو معامله در «دوبی» صورت گیرد. داستان طولانی این شخص درینجا نمی گنجد. لیکن در مصاحبه با «تایمز» خود از شمول در «خانواده سالارهای مواد مخدر»، سخن گفته خود را در سال ۱۹۹۳ متمول از ناحیه تجارت مواد «مخدره» دانسته است. وقتی «طالبان» در سال ۱۹۹۶، بقدرت می رسند، بر حسب گزارش «تایم» (TIME) ، این شخص، یعنی بشیر (بشر) نورزی، به «**اوج نفوذ خود می رسد.**» درینجا تذکار می یابد: «**چون ریشه قومی رهبر طالبان ملا عمر معلوم نبوده است، دائماً از جانب «نورزی» حمایت می گردیده است.**» در حالیکه در برخی از محافل «**ریشه قومی**» ملا عمر را «**نورزی**» تبلیغ می نمودند، بعد حدسیات بر «**هوتک**» بودن او، متمرکز گردید. به هر صورت، قابل باور نیست که او با احساس «**نورزی**» بودن کمک به ملا عمر رسانیده باشد. سود و منفعت دو جانبه بوده است. چنین افراد «**جنایت کار**» و «**بناد های جنایتکار سازمانیافته**» در فکر معاملات و اعمال نا شایسته رسیدن به منافع خود اند.

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

علاوه از موضوعات فوق، خبر دهنده «بی. بی. سی.» همچنان یکی از موضوعات را که «بل ریچارد سن»، «می خواهد مطرح کند، موضوع اقامت «اوساما بن لادن» در منطقه تحت کنترل طالبان در قندهار می باشد، که کشور او یعنی اضلاع متحده، از پیوند نامبرده در بمب گذاری، واقع در مجتمع عمارات نظامی در عربستان سعودی، مدعی اند.»

در همین راپور همچنان تذکر رفته است، که در چند هفته دیگر، یک سلسله از هیئت های بلند پایه غربی، به هدف افغانستان، به حرکت خواهند آمد. خبر نگار همچنان با ذکر عام بعضی از منابع دیپلوماتیک می نویسد، که این «شیوع ناگهانی علاقمندی، در رابطه با نزاع ایکه بزودی بفراموشی گرائیده بود، باز قرار است امید های موفقیت مذاکرات صلح را تحت حمایت سازمان ملل متحد تجدید نماید.» همین منبع همچنان گزارش می دهد که «مذاکرات یک قدم به پیش را ممکن ساخته است»، با اعلان ایکه صورت گرفته است، گفته می شود که «کمیتة رهنمائی» از نمایندگان «طالبان» و «اتحاد شمال» بزودی در اسلام آباد، بمذاکره خواهند پرداخت. قابل یاد آوری است که تا آلمان، کشور «بل ریچارد سن» با تمام گروپ ها، امکان تماس و مکالمه داشته است.

آنچه توجه گزارشگر را بخود جلب نموده است، «خوشبینی سازمان ملل متحد»، ناشی از «بهبود روابط بین عربستان سعودی و ایران» خوانده، استدلال می نماید، که «این دو کشور در صف حامیان عمده دو گروپ افغان» شامل بوده اند، ممکن در «وضع بهبود» را باعث شوند. در بین ارتباط، «ابراهیمی» را پس از گردش آخری وی در منطقه، با خوشبینی، احساس نموده است. تنها همین اظهارات می تواند کافی باشد، تا دید که مداخلات صریح تعداد زیادی از کشورهای خارجی در کشور ما وجود داشته و وجود دارد. اما این سؤال هم بجاست، که اگر از درون جامعه ما، دست های مرموز و نوکر، با آنها همکاری نمی بود، چنین حالت بر سر مردم این کشور نمی آمد.

بر اساس گزارشات خبری، منجمه ۲۵ اگست ۱۹۹۸، مقامات امریکائی، «اوساما بن لادن» را قبل از حوادث «بمب گذاری» در سفارت های آنکشور در افریقا، متهم به «ترور» دانسته بودند. در عین زمان برین عقیده بودند، که او در افغانستان است. در همین منبع می خوانیم: «گزارش می یابد که، مخالف تبعیدی سعودی، اوساما بن لادن، متهم به تحریک و تهیج حملات بر اهداف اضلاع متحده قبل از بمب گذاری در سفارت در شرق افریقا شناخته شده است، که واشنگتن او را متهم به طرح آن می داند.» در همین منبع همچنان علاوه شده است، که مراجع حکومتی امریکائی، به رسانه ها چون «سی.ان.ان.»، «واشنگتن پوست» و خبر رسانی «اسوشیئد پرس»، گفته است که در همان هفته های قبل از انفجارات در «کینیا» و «تانزانیا»، یک «هیئت منصفه عالی» در نیویارک، «اوساما بن لادن» را متهم به امر تهدید و اعمال زور علیه اتباع اضلاع متحده شناخته، حکم تعقیب قانونی صادر نموده است. درین رابط اسناد و مدارک ثبوت را از طریق «سی.ان.ان.» به نشر سپرده شده است.

ختم قسمت سیزدهم
دوام دارد

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ